



مبانی و کارکردهای ولایت فقیه

محمدجواد رودگر

۵

انقلاب اسلامی که مبتنی بر مبانی و حیانی، تکون و تکامل یافت، در واقع سیر تکاملی انقلاب توحیدی صدر اسلام و جلوه‌ای از اسلام ناب محمدی ﷺ است که بر محور آموزه‌های قرآنی - اهل بیتهی شکل و شاکله یافت و استمرار خط نبوت و امامت بود. در نتیجه نقطه کانونی و مفهوم مقوم تحقق و تداومش، اصل اصیل امامت خواهد بود تا امامت در شأن سیاسی - اجتماعی‌اش بر مدار ولایت سیاسی متبلور گردد؛ بنابراین ولایت سیاسی که بر ولایت اعتقادی - معرفتی و اخلاقی - معنوی تکیه دارد، از عمق و جوهره امامت زاده شد و در وجهه طولی و مراتب وجودی‌اش به ولایت فقیه جامع‌الشرایط منتهی گردید تا در عصر غیبت کبری، قطب عالم امکان و حجت بالغه الهی به عنوان نیابت عامه، خط امامت را ادامه دهد و در صراط مستقیم عدالت اجتماعی گام بردارد. انقلاب اسلامی در سیر تکاملی‌اش ظرف تجلی و تحقق عینی ولایت فقیه شد تا

نظام ولایی و حکومت دینی بر محور ولایت فقیه و مدیریت دینی کارآمد در جهان جدید که نظریه تفکیک دین از سیاست و شریعت از حکومت را تبلیغ می‌کردند، شکل یابد.

امام خمینی که رهبری انقلاب شکوهمند اسلامی را به عهده داشت و معمار نظام مقدس جمهوری اسلامی بود، نظریه ولایت فقیه را که استمرار اصل بنیادین امامت است، مدل حکومتی و دکترین سیاسی خویش قرار داد و ولایت فقیه را هم‌شأن امامت در ساحت سیاسی قلمداد کرد و همه اختیارات امام در بُعد سیاسی را برای ولایت فقیه که اسلام‌شناس تمام‌عیارست، قائل شد. امام خمینی دو گزاره اساسی و کلیدی را درباره نظریه ولایت فقیه مطرح کرد:

۱. تصور ولایت فقیه خود باعث تصدیق ولایت فقیه است (گزاره معرفتی)؛
۲. ولایت فقیه به مثابه ولایت رسول‌الله و ولایت معصومان علیهم‌السلام است و همه اختیارات معصومان علیهم‌السلام برای ولایت یک فقیه جامع‌الشرایط، متصور و متحقق است (گزاره سیاسی).

البته امام خمینی تصریح کرد که ولی فقیه هرگز هم‌رتبه امام در علم و تقوا و مراتب وجودی در ابعاد گوناگون نیست و قیاس آنان قیاس مع‌الفارق است؛ ولی در امر حکومت و ولایت سیاسی، حدود و اختیارات معصوم برای ولی فقیه وجود دارد که در کتب حکومت اسلامی یا ولایت فقیه و مبحث بیع و... بدان اشاره و تصریح فرمودند. آنگاه در مسیر تکامل انقلاب اسلامی و مراحل تثبیت و استقرار نظام جمهوری اسلامی بر عنصر مطلقه یا ولایت مطلقه فقیه، انگشت تأکید نهادند. به همین دلیل، ایشان در مراحل مقدماتی انقلاب اسلامی و استقرار و مراحل تکاملی و تثبیت آن، از ولایت مطلقه فقیه

به عنوان مدل و الگوی حکومتی خود سخن گفته، واژه مطلقه را در مباحث گفتاری و نوشتاری اش - به خصوص سه سال پایانی عمر مبارکشان - به دفعات و همچنین مؤکداً مطرح کردند تا در قانون اساسی نیز پس از بازنگری، این اصطلاح معنادار ثبت و ضبط شد.

بر این اساس، هم‌اکنون بر ماست که اصل مهم و زیرساختی نظام جمهوری اسلامی را از جهت معرفتی - فکری و علمی - سیاسی، تبیین، تعلیل و تحلیل کنیم و پرسش‌ها و شبهاتی که در هر دوره از مراحل انقلاب اسلامی - به خصوص نقش‌آفرینی‌های معجزه‌آسای مدل ولایتی حکومت دینی در برابر مدل‌های سیاسی غربی و شرقی از نوع سکولار و لیبرال - مطرح و گسترش می‌یابد و ذهن نسل جوان و جامعه اسلامی و انقلابی ایران را به خود مشغول و معطوف می‌سازد، پاسخ درخور، علمی، مستدل و شایسته داده، عقبه تئوریک و علمی ولایت فقیه را ارائه، تقویت و غنی‌سازیم.

در این جهت، بحث از مبانی ولایت فقیه اعم از مبانی کلامی، عرفانی، فقهی، سیاسی - اجتماعی و پیشینه تاریخی آن امری لازم و بحث‌از کارکردهای ولایت فقیه در سطوح و ساحات گوناگون، رسالتی ضروری است؛ چه اینکه نظریه ولایت فقیه از میان کتب فقهی - کلامی و کتب سیاسی در حوزه‌های گوناگون خارج و آن پرده‌نشین شاهد بازاری شد و به فضل و فیض الهی، کارآمدی خود را در دنیای معاصر نشان داد و به رخ مدل‌های مدیریتی و الگوهای سیاسی رقیب - اعم از معارض و معاند - کشید و به عنوان گفتمان اصلی و محوری فلسفه سیاسی اسلام شیعی قرار گرفت.

بنابراین بایسته است ابحاث متنوع علمی درباره اصل ولایت فقیه صورت

گیرد و در فضای حاکمیت منطق، اخلاق و استدلال آزاداندیشانه، این نظریه کارآمد با کارکردهایش مورد نقادی عالمانه قرار گیرد و شبهه‌زدایی شده، پرسش‌های مربوط به آن را پاسخ دهیم و هرچه بهتر، بیشتر، علمی‌تر و منطقی‌تر آن را مطرح کنیم تا از آسیب‌های نظری و آفات عملی مصونیت یابد و در جهان مدرن، این نظریه مدرن و علمی را به عنوان روح حاکم بر فلسفه سیاسی اسلام عرضه نماییم.

آری! اینک با یک نظریه عینی و تجربه‌نسبی شده، پس از سه دهه از استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی مواجه‌ایم که در دل چالش‌های رنگارنگ با نظام سلطه سیاسی غرب و مدل دموکراسی لیبرال توانست خود را با قدرت هرچه تمام‌تر اثبات کند و به تعبیر مقام معظم رهبری «نظام مقتدر اما مظلوم»، بر مدار ولایت فقیه کارنامه درخشانی را در حوزه‌های گوناگون از خویش بر جای بگذارد. همچنین، هشت سال دفاع مقدس، کودتاهاى ناجوانمردانه، تحریم‌های سخت و طاقت‌فرسا، تهاجم بلکه ناتوی فرهنگی و اکنون جنگ نرم و... را تدبیر و تحمل کرده، بر آنها فایق آید و دهه پیشرفت و عدالت را کلید زده، آفاق بلند و قلمرو وسیع و فسیح علمی را در تولید علوم انسانی - اسلامی فراروی خویش نهد. شگفت آنکه ولی فقیه با درایت و درایت هرچه تمام‌تر بر فتنه‌های پیدا و پنهان غلبه کرد و جامعه اسلامی را در مدار علم، عقلانیت، معنویت و عدالت به حرکت درآورد و در صراط مستقیم انقلاب اسلامی و سیر استکمالی‌اش توانست گفتمان‌های کارگشا و گره‌گشا تولید نماید و به اقتضای زمان و مکان، نقش فعال و نه منفعل خویش را به نمایش بگذارد و غرب را متحیر و مفتون خویش سازد تا بار دیگر به مطالعه نوع مدیریتش وادارد و ارباب سیاست و کیاست از

چهره‌های شناخته‌شده دنیا ایشان را از سرآمدان عرصه سیاست و سیاست‌مداران بارز و حکیم بدانند و به این حقیقت اعتراف کنند.

ناگفته نماند که غرب سکولار و نظام سلطه استکباری - صهونیستی چون کارآمدی ولایت فقیه را تجربه کرد و بیداری جهان اسلام و جنبش‌های جدید جهان غرب را هم جلوه‌ای از تأثیر روشن انقلاب اسلامی با اصل ولایت فقیه می‌داند، درصدد برنامه‌ریزی و توطئه‌های سخت‌تر و بیشتر از نظر علمی - سیاسی و فعال‌سازی اردوگاه خبری و نظام رسانه‌ای خود برآمده است و بنگاه‌های اطلاعاتی‌اش را نیز برای تضعیف و به محاق کشیدن ولایت فقیه به راه انداخت که البته آب در هاون کوبیدن است؛ چه اینکه اصل ولایت فقیه در اعتقادات اسلامی و جان مردم مسلمان ریشه دارد؛ اگرچه باید مراقب برنامه‌های دشمن بود و با حمایت معرفتی، معنوی و عملی از ولایت فقیه، توطئه‌های استکباری را نقش بر آب ساخت و هرکسی براساس رسالتی که بر دوش دارد، به حوزه وظیفه‌ای خویش از جهت علمی، سیاسی و... عمل کند تا هیچ عرصه‌ای مورد غفلت واقع نشود.

بر همین اساس، کتاب نقد بر آن شد تا در این شماره برخی از مباحث مرتبط با مبانی و کارکردهای ولایت فقیه را با بهره‌گیری از فضایی حوزوی و فرهیختگان دانشگاهی مطرح سازد و نشستی کاملاً علمی و آزاداندیشانه را با موضوع یادشده و با حضور اندیشمندان عرصه‌های کلامی، عرفانی، فقهی، جامعه‌شناسی سیاسی، فلسفه، سیاست، کارشناسان حوزه‌های علمی، امنیتی، سیاسی و... راه‌اندازی کند و محصول مباحث و برون‌دادهای علمی آن را در این شماره و احیاناً در شماره‌های آینده فراروی فعالان فرهنگی - فکری و دانشوران

عرصه‌های گوناگون قرار دهد. امید داریم پرونده بحث‌های علمی درباره ولایت فقیه با ابعاد و ساحت‌های متنوع و البته بر محور منطق و اخلاق، باز بوده، ارباب بصر و بصیرت، فاضلان و فرزندگان ساحت معرفت و معنویت و همچنین، مجریان عرصه سیاست و شریعت با گفتمان‌های علمی خویش بر غنای هرچه بهتر و بیشتر نظریه ولایت فقیه افزوده، همواره پشتیبان علمی و عملی آن باشند.

